

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ • ۱ محرم ۱۴۴۵ • ۱۹ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۰۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۹
اذان صبح فردا ۳:۲۲ • طلوع آفتاب ۵:۰۳

# شترت

دیالوگ روز

**در جست‌وجوی خوشبختی - گابریل موجوبو - ۲۰۰۶**

کریس گاردنر (ویل اسمیت): کاری رو پیدا کن که عاشقت باشی؛

چیزی که اونقدر تو رو به هیجان بیاره که صبح‌ها برای بلندشدن از تخت خوابت لحظه‌شماری کنی!

بی‌خیال بول شو؛ فقط کاری رو انتخاب کن که خوشحالت می‌کنه!

مهم نیست کارت چقدر پول‌ساز یا راحت‌ه؛ اگه باهاش شاد و خوشحال نیستی، هیچی نیستی جز برده پول و استعداات!

پول چیزیه که میاد، من خیلی پول رو می‌شناسم که از من خیلی پولدارترن، اما خیلی بدبختن! خوشبخت‌بودن خیلی مهم‌تره!

### نلسون ماندلا و راه طولانی آزادی



محمود قاضلی

نلسون ماندلا متولد ۱۸ جولای ۱۹۱۸، یکی از برجسته‌ترین رهبران سیاسی جهان و قهرمانی بین‌المللی است و عمر خود را معطوف به نبرد علیه سرکوب نژادی در آفریقای جنوبی کرده که تلاش هایش سرگونی رژیم آپارتاید، کسب جایزه نوبل صلح و ریاست‌جمهوری نظام جدید کوشورش را به ارمغان آورد.

**از مبارزه غیرخشونت‌آمیز تا دعوت به مبارزه نظامی**

ماندلا در مخالفت کنگره ملی آفریقا در سال ۱۹۵۲ و مبارزات کنگره خلق در سال ۱۹۵۵ که اتخاذ منشور آزادی توسط آن برنامه بنیادین آرمان ضد آپارتاید را فراهم می‌کرد، نقشی اساسی داشت. در آغاز طرفدار مبارزه عمومی غیرخشونت‌آمیز بود. او در پنجم دسامبر ۱۹۵۶ به همراه ۱۵۰ نفر دیگر دستگیر شد. محاکمه به اتهام خیانت از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ ادامه یافت و همگی آنان تبرئه شدند. از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۹ با روی کار آمدن طبقه جدیدی از فعالان سیاه‌پوست (آفریکانیست) که خواستار اتخاذ تدابیر جدی‌تری علیه رژیم حزب ملی‌گرا بود، فعالیت کنگره ملی آفریقا با اختلالات زیادی همراه بود. رهبران کنگره نه‌تنها احساس می‌کردند تحولات با سرعت زیادی در حال رخ‌دادن است، بلکه رهبری خود را نیز در خطر می‌دیدند. در نتیجه، آنان در تلاش برای جلب موقعیتی بهتر از آفریکانیست‌ها بر آن شدند که موقعیت خود را از طریق اتحاد با احزاب سیاسی کوچک سفیدپوست، رنگین‌پوست و سرخ‌پوست بهبود ببخشند. پس از قتل عام حامیان کنگره بان‌آفریکانیست در مارس ۱۹۶۰ و تحریم کنگره بان‌آفریکانیست و کنگره ملی آفریقا، این کنگره و حزب کمونیست آفریقای جنوبی به تبعیت از جنبش مقاومت آفریقا (شورشیان لیبرال) و کنگره بان‌آفریکانیست، پرداختند. کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی به کنفرانس فراگیر آفریقا در سال ۱۹۶۱ که تمامی احزاب در آن گرد آمدند تا به راهبرد مشترکی دست یابند، متوسل شدند و در این کنفرانس ماندلا و همفکرانش دعوت به مبارزه نظامی کردند. پس از آن ماندلا پنهانی کشور را ترک کرد و با رهبران آفریقا در الجزایر و دیگر نقاط دیدار کرد. در سال ۱۹۶۱، ماندلا رهبری شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا (ANC) را که خود یکی از بنیان‌گذاران آن بود، بر عهده گرفت. او مبارزات خرابکاری علیه اهداف نظامی و دولتی را رهبری کرده و طرح‌هایی تدوین کرد تا در صورتی که خرابکاری نتوانست به آپارتاید خاتمه دهد، به جنگ چریکی متوسل شود.

**حسین‌های طولانی‌مدت**

ماندلا پس از ۱۷ ماه کزین، دستگیر و در ژوهانسبورگ زندانی شد. سه روز بعد، با حضور در دادگاه، متهم به‌رهبری اعتصاب کارکنان در سال ۱۹۶۱ و ترک غیرقانونی کشور شد. او در ۲۵ اکتبر ۱۹۶۲، به پنج سال زندان محکوم شد. دو سال بعد به اتهام شرکت در کنگره ملی آفریقا (ANC) برای وی حکم دیگری صادر شد.

درحالی‌که ماندلا در زندان بود، پلیس در ۱۱ جولای ۱۹۶۳، رهبران کنگره ملی آفریقا و ماندلا را دستگیر کرد. همه متهمان به‌جز یک نفر به جرم «شرکت در اقدامات نظامی، خصوصا چهار مورد اتهام خرابکاری و توطئه برای کمک به دیگر کشورها در جهت حمله به آفریقای جنوبی» (که ماندلا همه آنها را پذیرفت) گناهکار شناخته شدند، اما با مجازات مرگ کربختند و در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۴ محکوم به حبس ابد شدند. ماندلا در جزیره روبین زندانی شد و از ۲۷ سال زندان متعاقب آن، ۱۸ سال را در این زندان به سر برد. در مدتی که در زندان بود، همچنان با کنگره ملی آفریقا در ارتباط بود. ماندلا در فوریه ۱۹۸۵ با رد درخواست آزادی مشروط به شرط محکوم‌کردن مبارزه مسلحانه، تا فوریه ۱۹۹۰ که تلاش کنگره ملی آفریقا و مبارزات بین‌المللی با شعار «ماندلا را آزاد کنید!» منجر به آزادی وی شد، همچنان در زندان باقی ماند. رئیس‌جمهور نیز هم‌زمان دستور آزادی ماندلا و پایان ممنوعیت فعالیت کنگره ملی آفریقا را صادر کرد. ماندلا در روز آزادی خود اعلام کرد «مبارزه مسلحانه کنگره ملی آفریقا هنوز به پایان نرسیده و توجه وی معطوف به برقراری صلح برای اکثریت سیاه‌پوست و دادن حق رأی به آنان در انتخابات کشوری و انتخابات محلی است.»

**از کنگره ملی آفریقا تا کنگره‌گیری از قدرت**

نخستین انتخابات دموکراتیک آفریقای جنوبی که در آن همه افراد می‌توانستند شرکت کنند، در ۲۷ آوریل ۱۹۹۴ برگزار شد. کنگره ملی آفریقا اکثریت را در انتخابات به خود اختصاص داد و ماندلا، به‌عنوان رهبر کنگره ملی آفریقا، نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست کشور شد و در دولت اتحاد ملی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور برگزیده شد. ماندلا به‌عنوان رئیس‌جمهور از مه می ۱۹۹۴ تا ژوئن ۱۹۹۹، رهبری انتقال از فرمانروایی اقلیت و آپارتاید را بر عهده داشت و به خاطر حمایت از صلح ملی و بین‌المللی، تحسین جهانی را به دست آورد. او پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری خود در سال ۱۹۹۹، تبدیل به یکی از طرفداران سازمان‌های فعال اجتماعی و حقوق‌یشری شد. در ۸۵سالگی اعلام کرد از زندگی سیاسی کناره‌گیری خواهد کرد. ماندلا، یکی از رهبرانی است که با وجود تلاش و مبارزه‌اش برای نابودی آپارتاید، نه‌تنها محبوب سیاهان است، بلکه محبوبیت فوق‌العاده‌ای در سراسر جهان دارد. ماندلا، آرزوی خود را چنین شرح می‌دهد: «در آن سال‌های طولانی تنهایی بود که اشتیاق من به آزادبودن مردم من، تبدیل به آرزوی آزادی برای همه مردم، سیاه و سفید، شد. من این نکته را بهتر از هر چیز دیگری می‌دانستم که درست همان‌گونه که ستم‌دیدگان باید آزاد شوند، ظالمان نیز باید آزاد شوند. مردی که آزادی دیگری را از او می‌گیرد، خود اسیر تنفر است و در پشت میله‌های تعصب و کوته‌اندیشی گرفتار است. من اگر آزادی فرد دیگری را از او می‌گیرم، واقعا آزاد نیستم و قطعاً وضعیت من مشابه وقتی است که آزادی مرا از من گرفته باشند. وقتی از زندان آزاد شدم، مأموریت من این (خواهد) بود که هم ظالم و هم مظلوم را آزاد کنم. با استیلای سفیدپوستان مبارزه کرده‌ام و با استیلای سیاهان نیز مبارزه کرده‌ام. به دنبال آرمان جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک که همه بتوانند در آن در توازن و با فرصت‌هایی برابر زندگی کنند، بوده‌ام.

وی ۲۷ سال از بهترین سال‌های عمر خود را در مخوف‌ترین زندان‌های رژیم آپارتاید گذراند، اما برای یک لحظه امید خود را برای آزادی خود و ملتش از دست نداد. پس از آزادی، به‌جای انتقام از کسانی که نه‌تنها به او بلکه یک ملت را به پردگی کشانده بودند، «گذشت» را سرلوحه کار خود قرار داد تا اسوای برای سیاست‌مداران جهان شود. در اوج محبوبیت، به نثروت و قدرت پشت کرد و داوطلبانه از بالاترین مقام سیاسی کشور کناره‌گیری کرد.



حسن سلیمی

حقوق دان



در روزهای گذشته احکامی از برخی شعب دادگاه‌ها در موضوع بی‌حجابی یا کشف حجاب صادر شد که در بخش مجازات‌های تکمیلی آن آرا مناقشاتی درگرفت و از آنجا که احکام صادرشده به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بازتاب یافت، به نظر می‌رسد تأمل در این آرا و نقد آن امری لازم و ضروری است.
در یکی از این دادنامه‌ها، برای یک متهم خانم از باب مجازات تکمیلی شست‌وشوی میت در یکی از آرامستان‌های شهرستان تهران به مدت یک ماه حکم محکومیت صادر شده است. اگرچه هنوز صحت‌وسقم این رای از سوی مقامات مسئول تأیید نشده است، اما وظیفه انسانی و پاسداری از حق، عدالت، قانون و حیثیت دستگاه قضائی نقد این رای را بر هر کارشناسی لازم می‌کند. از این‌رو نگارنده بر آن است به دور از هرگونه پیش‌داوری و پیش‌فرض ذهنی و صرفاً در زمینه قوانین و مقررات موضوعه کشور، رای صادرشده را در ترازوی قانون و عدالت گذاشته و تعادل و توازن این رای با قانون و عدالت را مورد سنجش قرار دهد.

به لحاظ شکلی، رای مذکور یک اشکال مهم و اساسی دارد. همان‌گونه که قبلاً استادان و معارف معظم علم حقوق گفته‌اند، نوشته‌اند و تأکید کرده‌اند و نگارنده نیز به‌عنوان شاگردی خُرد به آن پرداخته‌ام، مجازات موضوع تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به استناد ماده ۱۹ همان قانون یک جرم درجه‌هشتم است و به استناد ماده ۲۳ همان قانون تعیین

### پاد

## بزرگداشت یک پژوهشگر رسانه

امروز بزرگداشت «مهدی جعفری خانقاه» برگزار می‌شود. او که در تاریخ ۱۱ تیرماه امسال درگذشت، بیش از یک دهه در زمینه مطبوعات افغانستان و بررسی مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران فعالیت می‌کرد. از مهدی جعفری خانقاه کتاب «دو قرن با مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور در قاره آسیا» با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتاب

«فهرستگان قفقاز» و «سه دهه با مطبوعات فارسی‌زبان مهاجران افغانستانی در جهان» توسط دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها و کتاب مطبوعات افغانستانی در گذر تاریخ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است.

**مروری بر آثار**

همان‌طور که می‌دانیم، ایران سهم درخور توجهی از حضور مهاجران افغانستانی را به خود اختصاص داده است؛ از این‌رو توجه به کارنامه فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی آنها از یک سو، نقش ارزنده ایران را در فراهم‌کردن امکان چنین فعالیت‌هایی روشن می‌کند و از سوی دیگر، پیوندهای فرهنگی دو کشور را پیش‌انیش استحکام می‌بخشد. علاوه بر آن توجه به این نشریات، ما را با فضای رسانه‌ای دیگر فارسی‌زبانان آشنا می‌کند و زمینه‌های تحقیقات جدی در حوزه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور را فراهم می‌کند. این پژوهشگر و همکارش معین‌الدین محرابی، در کتاب «سه دهه با مطبوعات فارسی‌زبان مستقل و غیرمستقل فارسی در هند، روزنامه‌نگاری فارسی طبقه‌بندی مطبوعات مهاجران افغانستانی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۷ هجری شمسی پرداخته است. این اثر در سال ۱۳۸۹ در ۲۸۸ صفحه منتشر شده است. همچنین با آغاز انتشار روزنامه‌های مستقل و غیرمستقل فارسی در هند، روزنامه‌نگاری فارسی شکل جدی‌تری به خود گرفت. اگرچه استعمار انگلیس زمینه‌های لازم را برای انتشار روزنامه‌های روزنامه انگلیسی-فارسی در هند فراهم کرد و صنعت روزنامه‌نگاری انگلیس را برای این سرزمین به ارمغان آورد؛ اما نباید از نظر دور داشت که زبان متداول آن دوره زبان فارسی بود و اهمیت این زبان بود که آنان را وادار کرد تا در کنار مطالب روزنامه‌های انگلیسی‌زبان خود، بخش‌هایی از ستون‌های خود را به فارسی اختصاص دهند. این پژوهشگر با این پیش‌زمینه کتاب در «دو قرن با مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور در قاره آسیا» در مجموع شانسانمه ۷۱۵ عنوان نشریه از نشریات فارسی‌زبان در قاره آسیا در سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۹۹۰ را گردآوری کرده است.

**برخی فعالیت‌ها**

از تلاش‌های فرهنگی او می‌توان به برگزاری نخستین نمایشگاه مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران هم‌زمان با یازدهمین جشنواره مطبوعات و نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و انتشار مقالات تحقیقی و نقد کتاب در زمینه تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و افغانستان اشاره کرد. علاقه‌مندان و دنبال‌کنندگان پژوهش‌های «مهدی جعفری» می‌توانند امروز در مراسم بزرگداشتی که از ساعت ۹ در دفتر مطالعت و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت ارشاد در ساختمان ظهیرالاسلام با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و رسانه در خیابان ظهیرالاسلام برگزار می‌شود، شرکت کنند.

مجازات تکمیلی فقط در حدود، قصاص و جرائم تعزیری درجه یک تا شش مجاز است. صرف‌نظر از این اشکال شکلی، رای مذکور به لحاظ ماهوی نیز ایرادهای عدیده‌ای دارد. رای موصوف علاوه بر اینکه اصول متعدد حاکم بر مجازات‌ها نظیر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل برائت، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، اصل فردی بودن کیفر، اصل تناسب جرم و مجازات و اصل تفسیر به نفع متهم را نادیده گرفته است، به لحاظ مستندات قانونی نیز دارای اشکالات اساسی است.

به این ترتیب که تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، تعیین و اجرای مجازات‌های تکمیلی را به دو آیین‌نامه مهم ارجاع داده است؛ یکی آیین‌نامه نحوه اجرای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ رئیس وقت قوه قضائیه و دیگری آیین‌نامه موضوع ماده ۷۹ همان قانون مصوب ۱۳۹۳/۶/۶ هیئت وزیران که در بند ب ماده یک آیین‌نامه دوم، قانون‌گذار خدمات عمومی رایگان را تعریف کرده و آن را خدمات عام‌المنفعه‌ای می‌داند که با رضایت محکوم (تأکید می‌شود با رضایت محکوم) برای مدت معین و به‌طور رایگان و وفق ماده ۸۴ قانون مجازات به شرح مندرج در این آیین‌نامه در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد. در رای موصوف، اولاً معلوم نیست که قاضی محترم صادرکننده رای چگونه رضایت محکوم را برای تعیین و اجرای این مجازات کسب کرده؟ رضایتی که در صدر ماده ۸۴ قانون مجازات به آن تصریح شده است و اگر کسب کرده، چرا در متن حکم به آن تصریح نشده است؟ ثانیاً با توجه به اینکه ماده ۲ آیین‌نامه یادشده خدمات عمومی رایگان را در چند بند احصا کرده، همچنین در ماده ۴ آیین‌نامه، نهادهای پذیرنده تعیین شده‌اند و در بندهای مسکانه آن سازمان آرامستان‌ها جز، نهادهای پذیرنده خدمات عمومی عنوان نشده، تعیین مجازات تکمیلی آن‌هم از نوع شست‌وشوی



• **هفته یابانی تیرماه هر سال را نوروز صیاد می‌نامند و معنی آن این است که یک سال صیادی چرخیده و فصل صید ماهی به پایان رسیده است.** در این روزها روستائیشنان قشمی ماهی یا هرنوع آتری دریایی دیگری صید نمی‌کنند.
ویاثمنی خوردن.

عکس: رضاتفی/مقدم/فارس

# تکمیل مجازات با تغسیل میت

میت از کدام‌یک از احکام و مواد مندرج در قانون مجازات و آیین‌نامه‌های مربوطه استخراج شده است؟ از سویی دیگر ماده ۶ آیین‌نامه مذکور با تأکید مجدد بر رضایت محکوم بیان می‌کند: مجازات‌های تکمیلی از نوع خدمات عمومی رایگان باید با توجه به نوع جرم، صلاحیت علمی، اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربه و سن محکوم و… تعیین شوند. بنابراین کاملاً مشخص است که موارد مذکور از دید قاضی پنهان مانده است و به نظر می‌رسد هیچ‌گونه تناسبی دربارہ جرم و مجازات تکمیلی وجود ندارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که در مقدمه قانون اساسی در بخش قضا، ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده و نوید آن داده شده است که بین مردم به عدل داوری می‌شود. اگر قاضی محترم صادرکننده رای به ضوابط دقیق دینی توجه می‌کردند، یقیناً باید می‌دانستند که تجهیل، تکفین و غسل میت از نوع اعمال عبادی و از سنخ واجبات تعبدی است و انجام این واجب باید با قصد قربت انجام شود و بدون قصد قربت مثل این است که میت غسل داده نشده است و چه کسی راضی است که میت متعلق و منتسب به او بدون غسل و بدون رضایت غسل شست‌وشو و غسل داده شود. گاهی انسان از این‌همه بی‌توجهی حیرت می‌کند.

به هر حال نگارنده امیدوار است که این رای مورد توجه مقامات بالاتر و مراجع نظارتی قرار گیرد و به قاضی محترم صادرکننده رای توجه و توجیه لازم داده شود. همچنین امیدوارم و پیشنهاد می‌کنم این حجم عظیم فشار بر دستگاه قضائی برای مواجهه با این پدیده، منتقل به دستگاه‌ها و نهادهایی بشود که در سال‌های گذشته با بودجه‌های مکفی نتوانسته‌اند به وظایف خود عمل کنند و اکنون همه مطالبات را روانه دستگاه قضائی با بودجه‌ای ناکافی و منابع انسانی محدود کرده‌اند.

### نقد هفته

## عدم همسویی در قلب نظام سلامت

یکی از موضوعات جدید و نوظهور در دو سال اخیر در سیستم سلامت کشور، عدم همسویی سازمان‌ها و ارگان‌های تصمیم‌گیر در نظام سلامت است. این عدم همسویی به این معنی نیست که در سال‌های قبل همه همسو بوده‌اند و الان ناگهان غیرهمسو شده‌اند، بلکه علت هویداشدن این اختلاف وضع پرتلاطم نظام سلامت



امیر عربی

چشم پزشکی

کشور در سال‌های اخیر است. قدیم که وضع پزشکان خوب بود و بخش عمده‌ای از دانشگاه‌های علوم پزشکی دستشان به جای جیب پزشکان در جیب مبارک خودشان بود و البته آن زمان که هنوز جازدن زیرمیزی و فرار مالیاتی پزشکان (آن‌هم اغلب نادرست) رایج نبود و طب‌گریزی پزشکان مثل امروز شیوع پیدا نکرده بود. نهادهای تصمیم‌گیر مرتبط با سلامت سرشان در کار خودشان بود و اصلا با هم کاری نداشتند، وزارت بهداشت، پزشکش را از دانشگاه محل تحصیل می‌گرفت، می‌فرستاد طرح، پولش را می‌داد، در پایان طرح پزشک را مرخص می‌کرد و می‌سپرد به نظام پزشکی. این نهاد هم در اسرع وقت با احتساب سوابق و امتیازات، برای دکتر تازه‌نفس و پیرامید خود پروانه مطب صادر می‌کرد و نهایتاً یک پزشک جدید به بدنه فعال جامعه اطبا اضافه می‌شد. همان‌طور که اگر سلامت کلی بدن به هم بریزد اعضا و جوارح بیکر آدمی نسبت به هم ساز مخالف می‌زنند و گاهی سیستمی به جان سیستم دیگر می‌افتد، به‌هم‌ریختن مسیر فوق‌الذکر در ورود پزشکان به بازار کار هم گاهی نهادهای مهم سلامت کشور را به ورطه لج‌ولجباری با هم کشانده است. همین مسیر ورود پزشکان به بازار کار را از اول مرور می‌کنیم، اما به شکل امروزی و معیوبش. پزشک تازه فارغ‌التحصیل‌شده بعضاً می‌تواند با رانت پدری و مادری دو روز بعد از فارغ‌التحصیلی بدون یک روز طرح و خدمت سر از آمریکا و اروپا درآورد. آنهایی که می‌رسند دست وزارت نیز دو تکه می‌شوند؛ عده‌ای در بهترین مراکز و شهرها خدمت می‌کنند که بلکه همان کج‌دار و مریز را هم نمی‌کنند و دسته دوم که کسی را ندارند، به مثابه گوشت قربانی برای جورکشی رفقای رانتی سر از ناکجاآباد درمی‌آورند و تا چشمشان را باز می‌کنند، خود را هم‌بستر مار و عقرب می‌یابند، با ماهی ۱۲ میلیون حقوق و کارانه‌ای عقب‌افتاده یا شاید اصلاً «کی داده کی گرفته». این قشتر سرخورده در برگشت از طرح (البته اگر با وضع جاده‌ها و ماشین‌ها و راننده‌ها زنده برگردن، کم‌اینکه در این سال‌ها چند نفر از همکاران در همین رفقاؤآمدها جان خود را از دست داده‌اند). با هزار توتی بی‌سروته از حق بیمه و مالیات روبه‌رو می‌شوند که خلاصه‌اش این است که بیمه می‌گوید «اگه می‌تونی بیا پولت رو بگیر» و اداره مالیات می‌گوید «بیا پولت را پس نمی‌دهیم». خلاصه پزشک یا می‌زند به دل طب زیبایی زیرزمینی یا می‌زند به در و دیوار سفر به کشورهای اطراف و بعضاً دورتر، در این میان نظام پزشکی، حداقل به شکل ظاهری، برای تسهیل پروانه و تشویق پزشکان کارهایی مثل افزایش تعرفه و کاهش امتیاز پروانه مطب و بازگذاشتن دست پزشکان برای انجام کارهای مختلف در مطب را در دستور کار قرار می‌دهد که یک هفته بعدش با یک نامه از یک ارگان دیگر تصمیم‌گیر مواجه می‌شود که اصلاً نظام پزشکی چه کار است و ما تعیین می‌کنیم پزشکان چه کنند و چه نکنند. و این همان نقطه نوظهور عدم همسویی نهادهای اصلی نظام سلامت است که معلول یک چرخه آسیب‌دیده است و خود این چرخه آسیب‌دیده هم معلول اقداماتی است که حداقل یک دهه است کلید خورده‌اند و متأسفانه همچنان بعضی خصوصاً در رسانه با قدرت بر این آتش بنزین می‌ریزند و خواسته یا ناخواسته پزشکان و مردم را در مقابل هم قرار می‌دهند. بعید است این عدم همسویی به وضع موجود کمکی کند و امید است بار دیگر با بهبود بعضی مسیرهای معیوب، شاهد همدلی در دل نظام سلامت باشیم.